

أغنية إلى هو

لم أقل يا أخي أنت ميتٌ
قلتُ تمضي، وتعرف ماذا سيأتي
وانتهت خطواتك، لكنَّ ظلك ما زالَ
يمتدُّ طفلاً اليدين، تُرى أنتَ حيٌّ،
وعيناكَ عيناَي، والموتُ ما بيننا مرأيا،
وأرى ما رأيتَ، أترجم نفسي لنفسي:
أترانا دمٌ واحداً؟

A SONG FOR HIM

O brother!
I don 't say you are dead
you said you pass and you know what will happen
your paces ended and still your shadow stayed
your child raises hand you see and you are alive
and yor eyes are my eyes and death , a mirror in the middle
I see what you have seen and translate me for myself
don't you think we are congenial
and divide the bread of love and pain . the bread of life.
we are both strangers and feeble
and I call : I am doleful Karbala
and you yell:
my master hossein

نتقاسمُ خبزَ الفجعة والحبِّ، خبزَ الحياة
غَرِيبَيْنِ، مُسْتَضْعَفَيْنِ
وأنادي: أنا كربلاء الحنين،
وتصرخُ: يا سيدي الحسين.

ترانه ای برای او

نمی گویم ای برادر تو مرده ای
گفتی می گذری، و می دانی چه خواهد شد
گامهایت به آخر رسید، اما سایه ات همچنان هست
طفل دستانش را فراز می کند، می بینی و زنده ای
و چشمان تو چشمان من است، و مرگ
آینه ای است میانمان.
می بینم آنچه را تو دیدی، و خود را برای خود ترجمه می کنم.
آیا گمان نمی کنی هم خون هستیم؟
تقسیم می کنیم نانِ رنج و عشق، نانِ زندگی را.
هر دو غریبیم، هر دو ضعیف شده
و آواز می دهیم: من کربلای جانسوزم،
و تو فریاد می زنی: آقای من حسین.